

تبیین جامعه شناختی عوامل اجتماعی موثر بر جامعه پذیری ورزشی

مهدی مختارپور^۱

چکیده

تحقیق حاضر به دنبال بررسی مسائل مربوط به جامعه پذیری ورزشی بوده و بحث خود را روی عواملی متمرکز نمودیم که سبب ورود فرد و ادامه فعالیت در عرصه ورزش می شود. موضوع تحقیق را اینگونه مطرح نمودیم که با توجه به نقش و اهمیتی که جامعه شناسان ورزش برای عوامل جامعه پذیری در روی آوردن افراد به ورزش قائل اند و نیز اهمیتی که خانواده در فرایند جامعه پذیری افراد دارد، ورزش به عنوان یکی از الگوهای رفتاری که تحت تأثیر جریان عمومی جامعه پذیری شکل می گیرد چه تأثیری از عوامل جامعه پذیری، خصوصاً خانواده می پذیرد. این تحقیق با استفاده از مطالعه اسنادی و کتابخانه ای انجام شده است. در مرحله بعد به تحلیل اطلاعات جمع آوری شده پرداخته شد. براساس سوالات تحقیق، نتایج به دست آمده نشان می دهد بین میزان ورزشی بودن خانواده، حمایت خانواده از ورزش، نگرش خانواده در مورد ورزش، رسانه ها، همسالان با جامعه پذیری ورزشی رابطه وجود دارد. از مجموع مطالعات انجام شده این نتیجه به دست آمد که خانواده در فرایند جامعه پذیری ورزشی افراد دارای نقش مهمی است.

واژگان کلیدی: خانواده، جامعه پذیری، ورزش، رسانه، گروه همسالان.

تاریخ پذیرش

۱۳۹۸/۱۲/۰۶



تاریخ دریافت

۱۳۹۸/۰۸/۱۷

^۱ استادیار و عضو هیات علمی گروه جامعه شناسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: Mehdi.Mokhtarpour@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

محققان معتقدند در فرایند ورزشکار شدن افراد علاوه بر خصوصیات فردی و امکانات، عوامل اجتماعی شدن نیز دخیل هستند. دسترسی به فرصت ها و امکانات، داشتن استعداد و توانایی و نفوذ عوامل اجتماعی شدن از جمله نکاتی هستند که در ورزشکار شدن افراد مؤثر هستند. جامعه شناسی ورزش نیز تحت تأثیر جریان عمومی جامعه شناسی به تعریف اجتماعی شدن و عوامل مؤثر بر آن پرداخته است «جامعه پذیری ورزشی، عبارت از عوامل و شرایطی است که سبب جذب کودکان و نوجوانان به سمت ورزش و تداوم فعالیت آنها در این عرصه می شود» (Snyder, 1987: 57). از اینرو جامعه شناسان در بررسی رفتار کسانی که ورزش می کنند به این نکته توجه دارند که ورزش نیز همچون الگوهای رفتاری دیگر تحت تأثیر عوامل جامعه پذیری قرار دارد و ورزشکار شدن مستلزم جامعه پذیری است.

در میان عوامل مطرح در فرایند ورزشکار شدن افراد، مباحث مربوط به جامعه پذیری قرابت بیشتری با مباحث جامعه شناختی دارد؛ زیرا این بحث کانون توجه بسیاری از مکاتب جامعه شناسی، انسان شناسی و روانشناسی را برای سالیان متمادی به خود اختصاص داده است. از اینرو مطالعات جامعه شناختی پیرامون مباحث ورزشی، ورزشکار شدن و بطور کلی جهت گیری به سمت ورزش را به عنوان یک الگوی رفتاری در نظر گرفته اند که متأثر از عوامل مؤثر بر فرایند کلی اجتماعی شدن است. با وجود تفاوت ها و اختلاف نظرهایی که جامعه شناسان در مورد فرایند جامعه پذیری داشته اند، در مورد عوامل مؤثر بر این فرایند، خانواده، رسانه، آموزش و... اتفاق نظر بیشتری وجود دارد. در میان این عوامل نیز خانواده با توجه به تغییرات گسترده ای که در طول زمان از سر گذرانیده، اما هنوز بعنوان یکی از مهم ترین عوامل جامعه پذیری مورد توجه قرار دارد. «هم تحقیق و هم تجربه روزانه نشان می دهند که بیشتر دوره اجتماعی شدن کودکی، فرآورده غیر رسمی و غیر عمدی کنش متقابل طبیعی بین والدین و کودک است. چون تجربه دوره کودکی اکنون بطور کلی به عنوان

¹ socialization

دوره ای که تأثیری قاطع بر شخصیت بزرگسالی و پرورش آن دارد، پذیرفته شده است. خانواده را باید مهم ترین عامل اجتماعی شدن دانست» (مور؛ ۱۳۷۶: ۳۱). با توجه به نقشی که جامعه شناسان ورزش برای عوامل جامعه پذیری در روی آوردن افراد به ورزش قائل اند و نیز اهمیتی که خانواده در فرایند جامعه پذیری افراد دارد، این تحقیق به دنبال بررسی این موضوع است که ورزش به عنوان یکی از الگوهای رفتاری که تحت تأثیر جریان عمومی جامعه پذیری شکل می گیرد چه تأثیری از عوامل جامعه پذیری، خصوصاً خانواده می پذیرد. در این راستا شناخت عوامل اجتماعی موثر بر جامعه پذیری ورزشی به عنوان مولفه های اصلی می تواند نقش به سزایی در جهت اتخاذ سیاست ها و برنامه های مناسب ورزشی داشته باشد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

امروزه ورزش چنان مرزهای جغرافیایی و عقیدتی را در هم می شکند و شور و هیجانی بوجود می آورد که تبدیل به زبان جهانی بین ملتها گردیده است، که از این میان می توان به رقابتهای المپیک و جام های بین المللی فوتبال اشاره نمود. علاوه بر تنوع مخاطبان ورزش در میان مردم، ورزش روابط عمیق و گسترده ای با سایر حوزه های زندگی اجتماعی همچون سیاست، اقتصاد، آموزش، رسانه و خانواده دارد. به منظور نشان دادن اثرگذاری ورزش در زندگی اجتماعی به نمونه هایی از روابط ورزش و نهادهای اجتماعی اشاره می کنیم:

حجم عظیم سرمایه مالی که بصورت دولتی و خصوصی صرف ورزش می شود، وابستگی صنعت و تجارت به ورزش بواسطه تولید کالاهای ورزشی و نیز آگهی های تبلیغاتی که در حاشیه رویدادهای ورزشی در معرض دید مصرف کنندگان قرار می گیرد، اشتغال مستقیم و غیر مستقیم هزاران نفر بواسطه مسائل مرتبط با ورزش و... نشان از وجود روابط گسترده بین ورزش و اقتصاد جوامع دارد. ورود روزافزون دولت ها به عرصه ورزش با استدلال هایی نظیر افزایش سلامت عمومی، افزایش وجهه ملی، کنترل خشونت و... نشان از اهمیت ورزش

در عرصه سیاست است. همچنین رفت و آمدهایی که در عرصه های مدیریتی از جانب مردان سیاسی به حوزه ورزش و نیز مردان ورزشی به عرصه سیاست هراز گاهی صورت می پذیرد نیز گواهی بر این مدعاست. در حوزه رسانه نیز وجود رسانه های نوشتاری متنوع با موضوع ورزش و نیز برنامه های رسانه های دیداری و شنیداری مربوط به ورزش چنان گسترده و پر مخاطب است به طوری که از پنج ساعت اخبار در روز یک ساعت اختصاص به ورزش دارد که خود نشانه ای بر اهمیت ورزش در حوزه رسانه است. این موارد بخشی از مسائلی هستند که می توانند در تلقی ورزش به عنوان یک پدیده که قابلیت توجه جامعه شناختی دارد مورد استدلال واقع شوند. بنابراین مباحثی که پیرامون ورزش وجود دارند گسترده و متنوع هستند. نکته قابل توجه پیرامون ورزش مربوط به نحوه ورود افراد به دنیای ورزش است. اینکه چگونه عده ای از افراد با میل و علاقه وارد این عرصه می شوند در حالی که همسالان آنها چنین مسیری را برای خود انتخاب نمی کنند. این موضوع را می توان ذیل مباحث کلی جامعه پذیری که از مباحث مهم در جامعه شناسی است مورد بررسی قرار داد. از این رو می توان با کسب آگاهی از این موضوع که در جریان ورود افراد به دنیای ورزش کدام یک از عوامل جامعه پذیری نقش پررنگتری دارند به تسهیل و تسریع این روند یاری رساند. بنابراین علاوه بر کمبود تحقیق در این زمینه، توجه به این مسئله که خانواده بر حسب تغییر در جایگاه و کارکردهای آن در جامعه امروز در تأثیر گذاری بر جهت گیری فرزندان خصوصاً در زمینه ورزش از چه جایگاهی برخوردار است نیز دلیل دیگری برای انجام این تحقیق است. بنابراین تاباندن نوری هر چند ضعیف بر زاویه ای تاریک از روابط بین ورزش و دیگر نهادهای اجتماعی از جمله خانواده سبب تلقی انجام این تحقیق بعنوان یک ضرورت گردید.

تاریخچه تحولات اجتماعی ورزش

زمانی که ما درباره تاریخ فکر می کنیم، بعضی از ما به تسلسل زمانی حوادثی که همراه هم و به تدریج به بهتر شدن و مدرن شدن جامعه منجر شده اند می اندیشیم. حتی اصلاحات

به کار رفته در بعضی مباحث تاریخی به ما کمک می‌کند تا به این شیوه بیندیشیم. برای مثال، بعضی گزارش‌های تاریخی سرشار از ارجاع به جوامعی هستند که سنتی یا مدرن، ابتدایی یا متمدن، توسعه یافته و توسعه نیافته، صنعتی و غیر صنعتی نامیده شده‌اند.

این اصلاحات تلویحاً اشاره می‌کند که تاریخ در حال حرکت از یک مسیر ویژه است که در آن امور در حال بهبود و مدرن شدن هستند. به عبارت دیگر به تناوب با یک جهت خطی رشد یا بنده معرفی شده است - و معمولاً حرکتی رو به بالا - این رویکرد به تاریخ منجر به این امر شده که بعضی از افراد قادر باشند احساس برتری کنند، زیرا آنها به این نتیجه رسیده‌اند که مدرن‌تر، متمدن‌تر و توسعه یافته‌ترند. اما در این بحث ما به دنبال بررسی این ادعا در همه ابعاد و جهات آن نیستیم، چون موضوع بحث ما ورزش است می‌خواهیم حتی الامکان تفاوت‌ها و یا شاید برتری‌های ورزش امروزی را نسبت به دوران ماقبل مدرن یعنی از یونان باستان به این سو بررسی کنیم. بر این اساس هدف ما در این قسمت نشان دادن فرایند رشد و پیشرفت اشکال مختلف ورزش و قضاوت در مورد خوب یا بد بودن هدف، نحوه اجرا و پیامدهای آن در جامعه نیست. بلکه هدف ما نشان دادن شرحی هر چند مختصر از ورزش در دوره‌های مختلف تاریخی است. البته ممکن است از چشم انداز امروزی بسیاری از فعالیت‌ها نشانه وحشیگری، درنده‌خویی و بربریت باشند که با مرور این گونه ورزش‌ها تا حدودی به شرایط اجتماعی آن دوران می‌توان پی برد، چرا که ورزش ممکن است الگویی هر چند کوچک از شرایط آن دوران در اختیار ما قرار دهد.

ورزش در ایران باستان

ایرانیان باستان در قرون پیش از اسلام به سبب ویژگی‌های بارز مردم و موقعیت آن در جهان آن روز برای سلامتی و نیرومندی اهمیت وافری قائل بودند. در ایران باستان، برگزاری رقابت‌های ورزشی میان افراد و علاقمندان، باعث تقویت قوای بدنی، ایجاد انگیزه برتری

جویی، والا طلبی، حس قدرت و اعتماد به نفس و انتقال شادی و توانایی به دیگران مؤثر بوده است.

نگاره های بدست آمده از آثار گوناگون، گویای اهمیت برگزاری این مراسم در میان تمدن های پیشین است. نگاره های به جا مانده از دوران گذشته ایران که نمونه های قدیمی تر آن نقاشی هایی بر دیوار مناره های باستانی (دوشه، هومیان و میرملاس) در کوهدهشت لرستان و... یافته شده، پویایی و تحرک انسان را به نمایش می گذارند. همچنین در دوره های متأخرتر آثار بجا مانده گویای این واقعیت هستند که ورزش و آمادگی بدنی از موضوعات مهم زندگی ایرانیان در دوران باستان است. از یادگاری های ارزنده برجای مانده از فرهنگ و تمدن ایران که گوشه تاریکی از زندگی گذشتگان را برای ما روشن می سازند. نگاره های جام ارجان یا ارگان شهر قدیم فارس است. (باستانی و همکاران؛ ۱۳۸۶: ۴۷)

ورزش در یونان باستان

«مسابقاتی که در یونان باستان برگزار می شد بر مبنای اعتقادات مذهبی و اساطیری قرار داشتند. آنها معمولاً با جشنهایی که ترکیبی از عبادت و قربانی کردن و اعیاد مذهبی بودند مقارن بودند. رقابت کنندگان در این مسابقات از ثروتمندان و خانواده های مورد احترام و سرشناس بودند» (همان: ۵۸). «دو، شنا، شکار، جنگ و جست و خیر، سوار کاری با اسب های برهنه، پرتاب سنگ، نیزه، پیاده روی طولانی، بازی های همراه با توپ، کشتی پانکرشین (ترکیب مشت زنی و کشتی) جزو برنامه های ورزشی بودند» (کریمی؛ ۱۳۷۸: ۲۶). «در یونان، گذشته از مسابقات المپیک مسابقات دیگری نیز برگزار می شد. آتنی ها چهار مسابقه ملی برگزار می کردند که به ترتیب اهمیت عبارت بودند از:

المپیک؛ معروفترین و مهمترین مسابقات که هر چهار سال یکبار و در فصل تابستان به مدت ۵ روز برگزار می شد و از سال ۷۷۶ قبل از میلاد به افتخار زئوس خدای

1. olympic

اساطیری یونانیان در المپیا برگزار می‌گردید. قهرمانان اول المپیک به دریافت یک شاخه نخل خرما نائل می‌شدند.

استیمن یا اسیتا: این مسابقات هر دو سال یکبار برگزار می‌شد. در این مسابقات اسب سواران و موسیقی‌دانان شرکت می‌کردند. مسابقات قایقرانی نیز به افتخار خدای دریا برگزار می‌شده است. جایزه این مسابقات برگ‌های خشک جعفری بود.

پی تین: هر چهار سال یکبار به افتخار زئوی در دره نی میا برگزار می‌شد و جایزه آن برگ درخت غار بود.

نی مین: هر دو سال یکبار به افتخار زئوس در دره نی میا برگزار می‌شد و جایزه آن برگ‌های تازه جعفری بود» (همان: ۹-۲۸).

ورزش در دین اسلام

تربیت بدنی و ورزش یکی از نظام‌های مهم تربیت اسلامی است و از پشتوانه‌های نیرومندی در قرآن کریم و سنت پاک برخوردار است. چنان‌که رخدادهای زندگی اجتماعی، در قبل و بعد از بعثت رسول خدا (ص) و در دوره خلفای راشدین، آکنده از وقایع ورزشی است، و همواره از حمایت و تأیید مردم و پیشوایان و علمای دین برخوردار بوده است تا جایی که "ابن قیم جوزی" در این باره کتاب مستقلی به نام "الفروسیه" به رشته تحریر درآورده است. فروسیه یا سوارکاری نامی است که ورزش عربی در میان مسلمانان نخستین بدان شناخته می‌شد. ایام العرب (حوادث و وقایع و جنگ‌های تازیان) و نیز سروده‌ها و سنت و میراث آنها که نسل به نسل منتقل شده است، بیانگر میزان دلبستگی مسلمانان به ورزش‌های شمشیربازی و مسابقه اسب سواری و بازی‌ها می‌باشند.

بنابراین، در اسلام، بر خلاف برخی ادیان دیگر، هیچ‌گونه تعارض یا اختلافی با ورزش و تفریح وجود نداشته، بلکه در اغلب اعصار اسلامی، بویژه در اعصار شکوفایی آن، ورزش

یکی از فعالیت های برجسته انسانی و فرهنگی در میان مسلمانان به شمار می رفته، و تمامی مؤلفه های نظام اجتماعی را در بر داشته است؛ زیرا ورزش در میان غالب مسلمانان پدیده ای شناخته، و رایج و پذیرفته شده بود و با تکیه بر تأیید و حمایت پیشوایان و علمای دین اسلام، در سطح گسترده ای به اجرا در می آمده است. بر خلاف فلسفه یونان باستان که میان عقل و جسم جدایی می افکند، اندیشه اسلامی دوگانگی در انسان را نمی پذیرد؛ چه، وحدت و یکپارچگی انسان یکی از عناصر تشکیل دهنده نگرش اسلامی است که از جامعیت و کمال برخوردار می باشد. از اینجا است که اسلام هیچ گاه بعد خاصی از انسان را به زیان بعد دیگرش ترجیح نمی دهد و به کاستن از اهمیت و جایگاه بدن فرامی خواند. اسلام به انسان هشدار می دهد که با وجود توانایی ها و مهارت ها و مدرکاتی که خداوند در او نهاده نقاط ضعفی نیز دارد.

بنابراین، اندیشه اسلامی انسان را در جایگاه واقعی خود می نشاند؛ نه شان و مقام او را پایین می آورد، و نه مانند فیلسوف آلمانی "نیچه"، که به ابر مرد فرا می خواند، چندان بالایش می برد که بر اریکه غرور و کبر تکیه زند. در دین اسلام تمایل به تفریح یکی از خواسته های طبیعی بشر دانسته و (برای عامه مردم) مباح شمرده می شود. پیامبر اسلام به اصحاب و یاران خود می گوید: «به تفریح و بازی پردازید؛ زیرا من دوست ندارم در دین شما سخت گیری دیده شود (میزان الحکمه، ج ۴: ۲۸۰۴، به نقل از حرم پناهی، ۱۳۸۱: ۸۱). اما مسلمان با تقوا عمر را لطفی از طرف خدا می داند، بنابراین در تمام لحظات عمر، اعمال و رفتار خود از جمله کار، استراحت، عبادت، تفریح و... را در مسیر رشد و شکوفایی و کسب رضایت و قرب الهی قرار می دهد. از دیدگاه اسلام عمر و فرصت حیات نعمتی خداوندی است. قرآن کل هستی و تمام جزئیات آن را هدفمند و قانونمند می داند و در آیات بسیاری

¹Nietzsche

²superman

به اهمیت وقت و زمان اشاره شده است: «آیا بر انسان، روزگارانی نگذشت که چیزی در خور گفتن نبود؟»^۱

علی (ع) در توضیح آیه قرانی «در آنچه خدایت ارزانی داشته سرای آخرت را بجوی و بهره خویش را از دنیا فراموش مکن می گوید: «تندرستی، نیرو، آسایش خاطر، جوانی و نشاط را فراموش مکن و با استفاده از این پنج خصلت آخرت را بجوی» (تندنویس، ۱۳۸۳: ۱۳). بر اساس این تفسیر، انسان مسلمان باید هم به جسم و ابعاد جسمانی (کسب سلامت، نشاط، آسایش خاطر و نیرومندی) پردازد و هم به ابعاد روحانی و معنوی (عبادت، خدمت به خلق توجه داشته باشد. ورزش از دیگر اموری است که توصیه شده در اوقات فراغت به آن پرداخته شود. اسلام، ورزش را عامل حفظ نشاط و سلامتی بدن و توجه به سلامتی بدن را وظیفه اولیه هر مسلمانی می داند و به اندزه روح به جسم نیز اهمیت می دهد؛ تا حدی که علم «ابدان» را هم ردیف با علم «ادیان» بر می شمرد. (بحارالانوار، ج ۱: ۲۲۰ به نقل از حرم پناهی، ۱۳۸۱: ۸۳). امام سوم شیعیان حسین (ع) می گوید: «در تمامی عمر برای سلامتی و حفظ تندرستی خود بکوشید (تحف العقول: ۲۳۹ به نقل از حرم پناهی، ۱۳۸۱: ۸۳) در اسلام انواع بازی ها و ورزش ها (به ویژه دو، تیراندازی، اسب سواری، کوهنوردی و شنا) هم به عنوان تفریح و تأمین سلامتی جسمانی و هم جهت آمادگی برای مبارزات احتمالی توصیه شده است.

مسابقات المپیک

مسابقات ورزشی المپیک که از سال ۷۷۶ پیش از میلاد نخستین دروه آن آغاز شده بود، هر چهار سال یک بار تا سال ۳۹۴ بعد از میلاد ادامه داشت و جمعاً ۲۹۳ دوره آن به طور مرتب برگزار شد که این ۲۹۳ دوره را در تاریخ «المپیک عهد باستان» می نامند. المپیک عهد باستان در طول دوره های مختلف خود توسعه فراوان یافت، بدین معنی که هر چه از عمر

^۱سوره انسان، آیه ۱

آسوره قصص، آیه ۷۷

مسابقات می گذشت بر تعداد رشته های ورزشی و شرکت کنندگان در مسابقات افزوده می گشت و اهمیت و اعتبار بیشتری می یافت. در سال ۳۹۴ پس از میلاد (زمانی که رومی ها یونان را به تصرف خود درآورده بودند)، در حالی که دو سال از دویست و نود و سومین المپیک سپری شده بود، مسابقات المپیک به دستور تئودوسیوس امپراتور روم تحریم و تعطیل شد. این تعطیلی قریب هزار و پانصد سال ادامه یافت و سرانجام در سال ۱۸۹۶ میلادی با همت و کوشش پیر دو کوبرتن فرانسوی باردیگر برگزاری بازی های المپیک از سر گرفته شد. هر چند در سال های ۱۸۹۵ و ۱۸۷۰ نیز دو دوره بازیهای المپیک در یونان برگزار شد، اما آن دو دوره گرمی و رونق چندانی نداشت و تنها می توان از آنها به عنوان تلاش برای احیای بازیهای المپیک جدید نام برد. به غیر از سه دوره در سال های ۱۹۱۶، ۱۹۴۰ و ۱۹۴۴ که جنگ های جهانی سبب تعطیلی بازی های المپیک شد بقیه دوره های مسابقات در سطح بین المللی با موفقیت انجام شده است. در سال ۱۹۲۴ المپیک زمستانی نیز به بازی های المپیک نوین اضافه اشد.

«مظهر المپیک نوین را پنج حلقه رنگین تشکیل می دهد که هر یک نمودار یکی از قاره های پنج گانه (اروپا، آسیا، آفریقا، استرالیا و آمریکا) است. این پنج حلقه رنگین که به گونه ای زنجیر وار به هم پیوسته اند، نمایشگر دوستی و برادری مردم پنج قاره کره زمین در میدان های ورزشی بدون توجه به رنگ و نژاد و عقاید مذهبی و سیاسی آنهاست. رنگ حلقه ها که به ترتیب از چپ به راست آبی، زرد، سیاه، سبز و قرمز است. بدین جهت انتخاب شده اند که حداقل یکی از این رنگ ها در ترکیب رنگ های پرچم کشورها وجود دارد. شعاری که در مسابقات المپیک نوشته می شود به معنی تندتر، بالاتر و قوی تر می باشد که ریشه لاتین دارد و شعار قهرمانان شرکت کننده محسوب می شود که سریعتر بدونند، بالاتر بپرند و قوی تر مبارزه و پیکار کنند» (تقوی نژاد؛ ۱۳۷۵: ۶-۵). در یک جمع بندی کلی از مسابقات یونان می توان چنین گفته که «هدف نهایی تربیت بدنی که از جنگ های متناوب سرچشمه می گرفت، تربیت مرد علم و مردان میدان بود همه شهروندان یونانی به منزله سربازانی بودند

که باید در برابر دشمنان از میهن خویش پاسداری می‌کردند و از این رو توانایی بدنی برایشان امری حیاتی و اجتناب‌ناپذیر بود. با این همه تناسب و زیبایی اندام را نیز باید جزء اهداف تربیت بدنی در یونان به شمار آورد. چه یونانیان به این امر توجه بسیار داشتند و در فعالیت‌های ورزشی و بدنی و در کنار آموختن فنون جنگی برای تناسب و زیبایی اندام می‌کوشیدند و از این نظر سرآمد همه جوامع آن روزگار بودند. اگر بربرها از لحاظ طول قامت از آنان برتر بودند و اگر رومی‌ها از نظر داشتن عضلات و ماهیچه‌های ورزیده بر آنان برتری داشتند، یونانی‌ها نیز از نظر تناسب و زیبایی اندام از همه برتر و به این ویژه‌گی و امتیاز شهره بودند. «هومر در ایلیاد با دقت و توجهی خاص از بازیهای که در مراسم درگذشت پاترکلوس^۱ دوست و همدم آشیل به خاطر بزرگداشت و جاویدان نگاه داشتن خاطره وی انجام گرفته است سخن می‌گوید. سوگواری‌ها و ضیافت‌ها و قربانی کردن انسان و حیوانات برای دوست آشیل، آیین برگزاری بازی‌ها و مسابقات ورزشی را در مراسم ترحیم مردگان بنیان نهاد» (همان: ۳۴-۳۳).

ورزش مدرن

برای ورزش مدرن ویژگی‌های متعددی مطرح کرده‌اند که هرکدام به نوبه خود می‌تواند نوری بر این جنبه از ورزش بتاباند و در حد امکان به شناخت این پدیده اجتماعی که از نیمه قرن بیستم به شکلی که امروز شاهد آن هستیم کمک کند. اما در این میان برخی ویژگی‌هایی برای ورزش مدرن مطرح شده‌اند که از آنها به عنوان ویژگی‌های جامعه‌مدرن در حالت کلی نیز از آنها یاد می‌شود. این خصوصیات به شرح ذیل می‌باشند:

۱. سکولاریزم: ورزش‌های مدرن نه تنها مستقیماً به اعتقادات و مناسک مذهبی ارتباط پیدا نمی‌کنند و ابزار پرستش خداوند محسوب نمی‌گردند بلکه وسیله‌ای برای تفریح و سرگرمی به حساب می‌آیند. این ورزش‌ها بیش از اینکه برای رضای

¹. Patroclus

².secularism

خدا انجام شوند برای کسب اهداف شخصی انجام می شوند. ورزش های مدرن با وجود اینکه بسیاری ممکن است آن را به عنوان بخش مهمی از زندگی تعریف کنند اما جزئی از یک امر مقدس محسوب نمی شود.

۲. برابری: ورزش های مدرن براساس این ایده شکل گرفته اند که مشارکت ورزشی نباید توسط زمینه های اجتماعی قومی، نژادی و غیره محدود گردد. بدین صورت که هرکسی می تواند رقابت ورزشی را صرف نظر از اینکه چه کسی است و از کجا آمده شروع کند

۳. تخصصی شدن: ورزش مدرن تحت سیطره ورزشکاران متخصص و حرفه ای و طرفداران حرفه ای می باشد. ورزشکاران یک رشته بطور کامل خودشان را وقف یادگیری اصول و ظرائف آن رشته می نمایند تا به بالاترین موقعیت ورزشی نائل آیند. بطور مثال یک ژیمناست خوب باید از دوران کودکی به این رشته روی بیاورد و به عبارتی قسمت اعظم زندگی اش را وقف آن نماید.

۴. عقلانی شدن: ورزش های مدرن شامل مجموعه پیچیده ای از قواعد و مقررات و استراتژی ها می باشند. قواعد ورزشی هر رشته خاص مشخص کننده اهداف آن رشته ورزشی و ابزارهای مورد نیاز برای رسیدن به آن اهداف است. این قواعد همچنین وسائل مورد نیاز برای انجام یک رشته خاص تکنیک های مورد نیاز آن رشته و شرایط شرکت در رقابت را نیز مشخص می کند.

۵. بوروکراتیزه شدن: ورزش های مدرن به وسیله سازمان های پیچیده محلی، ملی، و بین المللی کنترل می شوند. افراد در این سازمان ها ناظر عملکرد ورزشکاران و تیم های ورزشی می باشند. این سازمان ها قواعدی را وضع می کنند و به منظور رعایت

1 . equation

2 . specialization

3 Rationalization

این قوانین شرائطی را نیز مشخص می‌کنند. کمیته بین‌المللی المپیک، فدراسیون بین‌المللی فوتبال و... نمونه‌هایی از سازمان‌های فوق هستند.

۶. کمی شدن: ورزش‌های مدرن غرق در سنجش و آمارند. هر چیزی که قابلیت تقلیل به زمان و فاصله و نمره را داشته باشد سنجیده و ثبت می‌شود. استانداردها و معیارهای موفقیت بطور آشکار بر حسب شرایط سنجش پذیر تعیین می‌گردد و همچنین به منظور تأیید یک موفقیت ورزشی از آمار استفاده می‌شود.

۷. ثبت رکورد: در ورزش مدرن بر کسب رکورد و بهبود آن تأکید فراوان می‌شود» (همان، ۶۷).

اگر چه نشانه‌هایی از توسعه شکل‌های ورزش قاعده‌مند در ابتدای قرن ۱۶ در انگلستان دیده می‌شود، اما شواهد بعدی حکایت از عدم توسعه چنین نوعی از ورزش دارد. توسعه ابتدایی ورزش مدرن فرایندی است که بعداً به وقوع پیوست. این فرایند در دو مرحله شکل گرفت: مرحله اول در قرن هجدهم زمانی که اشراف و زمینداران حاکم بودند و مرحله دیگر قرن نوزدهم یعنی زمانی که اعضاء گروه‌های بورژوا بر طبقات زمیندار فایق شدند. شواهد همچنین نشان می‌دهد این فرایند یکی از کارکردهای توسعه اجتماعی گسترده‌تر، خصوصاً شکل‌گیری دولت در انگلیس و نیز فرایند متمدن شدن که از جمله مشخصات این شکل از توسعه است. در قرن نوزدهم اشکال متمدن‌تر شده بوکس، شکار روباه و مسابقات اسب‌دوانی و کریکت بوجود آمد. فراتر از این‌ها مسابقاتی از قبیل فوتبال، راگبی، هاکی و تنیس نیز در قرن نوزدهم بوجود آمد. (Denning: 1999:539) نوربرت الیاس از جمله جامعه‌شناسانی است که در بررسی جامعه‌شناختی‌اش تحت عنوان فرایند متمدن شدن تغییر رفتارهای خشونی به رفتار متمدانه را بررسی کرده است و در زمینه ورزش نیز تبیین‌های مشابهی ارائه کرده است. مطالعات او نشان می‌دهد ورزش از فعالیت بدنی خشونی و درگیرانه به سمت رقابت‌هایی قاعده‌مند تحول پیدا کرده است. «مطالعات درباره تمدن آداب و رسوم

به الیاس اجازه می دهد که تغییر شکل بازی ها به ورزش ها را در فرایند عمومی تر صلح آمیز شدن زندگی اجتماعی ملاحظه کند. به نظر الیاس به موازات تکوین دولت-ملت های مدرن که در آنها استفاده از خشونت در انحصار نهادهای نظامی و انتظامی (ارتش و پلیس) است و اختلاف میان ملت ها باید بدون توسل به خشونت حل و فصل گردد روابط اجتماعی و نهایتاً زندگی اجتماعی صلح آمیز تر می شود. پیچیده شدن تقسیم کار نقش مهمی در فرایند متمدن سازی آداب و رسوم با افزایش روابط کارکردی میان گروه ها و طولانی تر کردن زنجیرهای وابستگی متقابل ایفا می کند. سپس، الیاس به تبیین شرایط خاصی که در انگلستان وجود داشت می پردازد. نخستین کشوری که زندگی سیاسی در آن صورت پارلمانی پیدا می کند و اجازه جا به جایی قدرت میان دو حزب رقیب را بدون توسل به خشونت می دهد. بدین ترتیب او امکان می دهد که بفهمیم چرا ورزش ها دقیقاً در این کشور در فاصله قرن هیجدهم و نوزدهم شکل می گیرند (دوفرانس، ۱۳۵۸: ۲۰-۱۹).

تاریخچه جامعه پذیری

گرچه واژه جامعه پذیری تنها مربوط به چند دهه گذشته می شود، اما مفهوم آن به همان روزی بر می گردد که بشر پا به کره زمین گذاشت. انسان های اولیه و غار نشین، چنان از پس وظایف تربیتی، آموزشی و انتقال تجربیات خود بر نسل دیگر بر می آمدند که گویی افراد بشر در هر دوره تاریخی بدون گذر از مسیر اجتماعی شدن قادر به ادامه حیات خود نبوده است. در گذشته؛ پیوند اصیل و ذاتی فرزندان و والدین را با هم یکی می کرد. محافل خانوادگی و فامیلی، اماکن عمومی و محل مشترکی بود که همه افراد جامعه در آن مراحل جامعه پذیری خود را طی می کردند. در این زمان به محض آن که کودک می توانست بدون کمک و مراقبت والدین خود به زندگی ادامه دهد، به جامعه بزرگتر تعلق می گرفت. با گذشت قرن ها و تغییر نسل، امروزه جوامع جدید با ماهیتی متفاوت از گذشته همچنان به دنبال جامعه پذیری نسل های بعد از خود هستند. این مسئولیت در جوامع جدید تنها بردوش

خانواده نیست بلکه عوامل دیگری چون مدرسه، رسانه‌ها و... نیز در این امر دخیل هستند. در دنیای معاصر، کودک در معرض توجه خانواده هسته‌ای مدرن قرار دارد. نظام‌های تعلیم و تربیت، اندیشمندان روانشناس و جامعه‌شناس به دنبال دستیابی به شیوه‌ای از تعلیم و تربیت هستند که در کنار آموزش مفاهیم انتزاعی، جامعه‌پذیری به شکل عمقی در فرزندان ایجاد و درونی شود. از این رو امروزه کارشناسان مسائل تعلیم و تربیت یکی از کارکردهای عمومی نهاد خانواده را اجتماعی کردن یا همان جامعه‌پذیری افراد جامعه می‌دانند.

تعریف جامعه‌پذیری

اصطلاح (socialization) با عباراتی همچون اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری ترجمه شده است که در این تحقیق دو عبارت را معادل هم در ترجمه اصطلاح ذکر شده بکار خواهیم برد. از نظر انتوننی گیدنز، «اجتماعی شدن فرآیندی است که طی آن فرد به شخصی خودآگاه، دانا و ورزیده در شیوه‌های فرهنگی که در آن متولد گردیده است تبدیل می‌شود» (گیدنز، ۱۳۷۳: ۶۷). جامعه‌پذیری «فرایند تأثیر متقابل بین یک شخص و محیط اجتماعی او را می‌رساند که نتیجه آن پذیرش مدل‌های رفتار اجتماعی در آن محیط و پیدایی نوعی انطباق بین فرد و جامعه است. در این معنا، جامعه‌پذیری فرایندی است روانی-اجتماعی که بر پایه آن شخصیت اساسی تحت تأثیر محیط و مخصوصاً نهادهای تربیتی، دینی و خانوادگی شکل می‌یابد» (بیرو، ۱۳۶۶: ۳۶۳). اجتماعی شدن به معنای همسازی و هم‌نوایی فرد با ارزشها، هنجارها و نگرشهای گروهی و اجتماعی است یا به مفهوم دیگر، اجتماعی شدن فراگردی است که به واسطه آن هر فرد دانش و مهارت‌های اجتماعی لازم برای مشارکت موثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی را کسب می‌کند. مجموعه این ارزشها، هنجارها، نگرشها، دانشها و مهارتها فرد را قادر می‌سازد که با گروه‌ها و افراد جامعه روابط و کنشهای متقابل داشته باشد. فراگرد اجتماعی شدن امری مستمر و به اعتباری مادام‌العمر است.

از دیدگاه فرد اجتماعی شدن فراگردی است که طی آن به کسب هویت نایل و با پذیرفتن ارزشها، هنجارها، آرمانها و شیوهای زندگی، تحت شرایط مطلوب، قادر به تحقق استعدادها بالقوه خود می شود. اگر جریان اجتماعی شدن با موانعی مواجه شود به محدودیت رشد فردی می انجامد. به هر حال برای فرد اجتماعی شدن شرطی اجتناب ناپذیر در امر خود آگاهی و تشکیل هویت محسوب می شود. از این رو اجتماعی شدن شامل دو فراگرد مکمل است: انتقال میراث اجتماعی و فرهنگی و رشد شخصیت. مطالعه فراگرد اجتماعی شدن به قلمرو جامعه شناسی محدود نیست. در میان رشته هایی که به این موضوع می پردازند، علاوه بر جامعه شناسی از انسان شناسی، زیست شناسی و روانشناسی هم می توان نام برد. هر یک از این رشته ها، از دیدگاههای متفاوتی به فراگرد اجتماعی شدن می نگرند. چون تلفیق و ترکیب این نقطه نظرها کار مشکلی است. به طور کلی، انسان شناسان در امر اجتماعی شدن بر نقش فرهنگ تاکید می کند، روانشناسان بر رشد و مشروط شدن ادراک و یادگیری از راه کنشهای متقابل با رفتار دیگران تاکید می ورزند و جامعه شناسان به مطالعه فراگردهای تاثیرات اجتماعی و اثرات نهادها توجه دارند. این برداشتهای متفاوت به چندگانگی ابعاد فراگرد اجتماعی شدن گواهی می دهند (علاقه بند، ۱۳۷۴: ۷۲ و ۷۳). در دیدگاه جامعه شناسان جامعه پذیری روندی است که فرد برای زندگی گروهی آماده می شود و نقش اساسی در شکل گیری رفتارهای فرد دارد. در اینجا تاکید بر این است که این موضوع درک شود که افراد چگونه آموزش می بینند تا انتظارات هنجاری و نقش گروهی متعلق به خود را بپذیرند. این دیدگاه بر موقعیت اجتماعی جامعه پذیری تاکید دارد که افراد به وسیله آن، خود را با ساختارهای "هنجاری" جامعه انطباق دهند. به هر حال تلقی برخی برخی از جامعه شناسان از مفهوم "جامعه پذیری" نوعی هم سازی است. برخی دیگر جامعه پذیری را فرایند انتقال فرهنگ و الگوهای فرهنگی معرفی نموده اند؛ یعنی جوامع انسانی برای ایجاد وحدت و همبستگی جامعه خود، بر یک سلسله از ارزش ها، هنجارها و نمادها توافق می کنند و این فرهنگ را به شکل الگوهای فرهنگی به نسل جدید منتقل می کنند. تعدادی

دیگر جامعه‌پذیری را به عنوان کارکرد جامعه در حفظ خویش معرفی نموده‌اند که نظام حاکم از طریق انتقال فرهنگ به نسل جدید، به وظیفه حفظ و تداوم خویش اقدام می‌کند. به عبارت بهتر می‌توان گفت جامعه‌پذیری امری مبنایی است، یعنی فرایند جامعه‌پذیری در یک جامعه و فرهنگ خاص آن است. «جامعه‌پذیری عاملی برای انتقال فرهنگ از نسلی به نسل جدید است و همین حرکت به ثبات و دوام جوامع و نظام حاکم کمک می‌کند، و در یک کلام آنکه جامعه‌پذیری فرایند انتقال هنجارها و ارزش‌های جامعه به فرد است» (اخترشهر، ۱۳۸۶: ۱۰۲ و ۱۰۳). جامعه‌پذیری، جریانی است که طی آن افراد یک نسل با ارزش‌ها، هنجارها و فرهنگ جامعه خود آشنا می‌شوند و آنها را درونی می‌کنند. فرایندی است که به وسیله آن یک فرد می‌آموزد که از طریق فراگرفتن رفتاری اجتماعی که مورد تایید گروه باشد، خود را با آن گروه انطباق دهد. پارسنز در مورد مفهوم اجتماعی شدن معتقد است که در کانون اصلی فرایند اجتماعی شدن، نهادی شدن فرهنگ جامعه‌ای است که کودک در آن متولد می‌شود و اشاره می‌کند که جنبه‌های قاطع فرهنگ برای این منظور الگوهای ارزش جامعه‌اند و شرایط موثر برای اجتماعی شدن قرار گرفتن در وضعی اجتماعی است که خود اشخاص قدرتمندتر و مسوول‌تر در نظام ارزش فرهنگی مورد بحث در آن ادغام می‌شوند. هم از این لحاظ که همراه با نظام اجتماعی نهادی شده‌ای را تشکیل می‌دهند و هم از این نظر که الگوها قبلاً به شیوه‌های مناسب در شخصیت خود آنها نهادی شده است (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۱۰). از دیدگاه جامعه‌شناسی، جامعه‌پذیری روندی است که طی آن انسان، اجتماعی شدن را می‌آموزد. از این‌رو، می‌توان جامعه‌پذیری را مترادف فراگیری دانست، زیرا انسان به‌ویژه دوران کودکی و نوجوانی را در حال فراگیری می‌گذراند. هنگامی که صحبت از فراگیری می‌شود به یاد تعلیم و تربیت می‌افتیم، در حالی که منظور از جامعه‌پذیری وسیع‌تر از آن است؛ تعلیم و تربیت مرحله‌ای است که آگاهانه و هدفمند برنامه‌ریزی می‌شود و قصد آن تغییر رفتار آدمی به‌طور دلخواه است، حال آنکه جامعه‌پذیری، هم برنامه‌ریزی‌های خودآگاهانه و هم جریان‌ات ناخودآگاهانه را

دربرمی گیرد (مرادزاده، ۱۳۷۱: ۲۲-۲۴). اصطلاح اجتماعی شدن، عموماً در ارتباط با کودکان به کار برده می‌شود. اما این فرایند در واقع عام است و به همین لحاظ بر بزرگسالان نیز قابل اطلاق است. شخص ممکن است در هر سنی با گروه‌های تازه آشنا شود و ارزش‌های آنها را کسب کند (گولد و کولب: ۱۰). به بیان دیگر، جامعه پذیری در تمام طول عمر افراد ادامه دارد و هیچ‌گاه متوقف نمی‌شود. از این رو، عوامل و فرایندهای جامعه‌پذیری از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

جامعه‌پذیری را می‌توان از دو دیدگاه عینی و ذهنی مورد توجه قرار داد: از لحاظ عینی (از نظر جامعه و تأثیر آن بر فرد): جامعه‌پذیری فرایندی است که به موجب آن جامعه فرهنگش را از یک نسل به نسل بعدی انتقال می‌دهد و فرد را با شیوه‌های پذیرفته شده و تأیید شده زندگی سازمان یافته اجتماعی سازگار می‌کند. بنابراین، کارکرد جامعه‌پذیری این است که استعداد و انضباط‌هایی را که فرد به آنها نیاز دارد پرورش دهد، نظام ارزش‌ها، آرمانها و انتظارات زندگی جاری جامعه‌ای خاص را به فرد منتقل می‌کند و به خصوص، نقش‌های اجتماعی‌ای را که باید ایفا کند آموزش دهد. از لحاظ ذهنی (از نظر فرد و پاسخ آن به جامعه): جامعه‌پذیری فرایندی است برای شکوفا کردن استعدادهای بالقوه، فراهم آوردن امکانات رشد و شخصیت و تبدیل فرد به شخص (فرد اجتماعی) و در نتیجه برقراری رشد شخصیت و آموزش نقش‌ها و منش‌ها، به وجود آوردن خواسته‌ها و برآوردن نیازها و دستیابی به تجربه‌های اجتماعی (نیک گهر، ۲۱۶۹؛ ۴۷).

شیوه‌های جامعه‌پذیری

در بررسی‌های مربوط به جامعه‌پذیری، محققان به شیوه‌های مختلفی اشاره داشته‌اند. در این میان آنچه حائز اهمیت است توجه به نگاهی است که هر نظریه و پیروان آن نسبت به نقش فرد جامعه‌پذیر شونده دارد. به عبارت دیگر نگاه کلی به جایگاه فرد در نظام اجتماعی تا حد زیادی تعیین‌کننده رویکردها به اجتماعی شدن است. مکاتبی که به دنبال توجیه این

مسأله هستند که نظم نهادی در جامعه نتیجه اعمال تنظیمات متنوع از سوی نهادهای جامعه است؛ نتیجه چنین دیدگاهی تابع دیدن فرد و بی‌توجهی به اراده او در بروز و ظهور کنش‌های مختلف او خواهد بود. از طرفی دیدگاههایی وجود دارند که معتقدند کنش‌های افراد سراسر ملهم از اراده و خواسته‌های افراد هستند و هر آنچه در جامعه هست در نتیجه اعمال ارادی و خلاقانه کنشگران بوجود آمده است. انتقادی که بر هر دوی این دیدگاهها وارد است، نادیده گرفتن ابعاد مثبتی از نظریه رقیب است. به عنوان مثال نظریه‌هایی که جامعه‌پذیری را بر مبنای مدل درونی‌سازی صورتبندی کرده‌اند برای کسانی که اجتماعی می‌شود قائل به دخالت اراده و تمایل آنها در فرایند جامعه‌پذیری نیستند. همچنین دیدگاههایی که جامعه‌پذیری را صرفاً ناشی از تفسیر و اراده کنشگران در فراگیری الگوهای رفتاری می‌دانند با ضعف ناشی از نادیده گرفتن ساختارهای موجود در جامعه مواجه هستند. از این رو برای داشتن درک درست از شیوه‌هایی که افراد جامعه‌پذیر می‌شوند، توجه به استفاده از نکات مثبت هر دو رویکرد سودمند خواهد بود. «اجتماعی شدن از سه طریق عمده یعنی تقلید، آموزش و انگیزش در سراسر زندگی فرد عمل می‌کنند. (راش؛ ۱۳۷۷: ۱۱۶).

عوامل مؤثر در فرایند جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری از طریق نهادها، عوامل و سازوکارهای متفاوتی صورت می‌گیرد. گروهها یا زمینه‌های اجتماعی که فرایندهای مهم اجتماعی شدن در درون آنها روی می‌دهد تحت عنوان عوامل جامعه‌پذیری شناخته شده‌اند (گیدنز؛ ۱۳۷۷: ۸۴). هر جامعه‌ای باید شیوه‌هایی برای اجتماعی کردن افراد و یگانگی بوجود آورد. بنابراین همیشه نهادهایی وجود خواهند داشت که این کار را انجام دهند. نهادهای اجتماعی از کودکی در کار اجتماعی کردن افراد درگیر هستند و در طول زندگی نیز با شدت و ضعف این کار را ادامه می‌دهند. استمرار در کار جامعه‌پذیری سبب گردیده جوامع نهادهایی را برای انجام این مهم در نظر بگیرند. نهادهایی مانند خانواده مدرسه، آموزش و مذهب. بررسی‌های جامعه‌شناختی‌ای که حول

محور عاملان جامعه پذیری صورت گرفته در تقسیم بندی های خود این نهادها را به دو دسته نهادهای رسمی و غیر رسمی تقسیم کرده اند. مدرسه یک عامل رسمی جامعه پذیری است. خانواده، همسالان و همسایگان از جمله بسترهایی هستند که جامعه پذیری در آنها به صورت غیر رسمی تحقق می یابد. نهادهایی چون خانواده، مذهب و مدرسه در فرایند جامعه پذیری از نوعی موقعیت بالا دست برخوردار هستند. به عبارت دیگر این نهادها از نوعی اقتدار برخوردار هستند که می توانند آن را در جریان جامعه پذیری اعمال کنند. اما همسالان، رسانه ها و... در موقعیتی همسان با فرد جامعه پذیر شونده قرار دارند. بنابراین می توان در بررسی های مربوط به جامعه پذیری و تقسیم بندی هایی که پیرامون موضوع عوامل جامعه پذیری صورت می گیرد به آن توجه نمود. لازم به ذکر است که جامعه پذیری یک فرایند است و در این فرایند برخی از عوامل در سنین ابتدایی زندگی فرد و برخی در مراحل بعدی اهمیت دارند. بدین معنی که میزان تأثیرگذاری آنها در طی زمان متفاوت است. بنابراین در بررسی های مربوط به عوامل جامعه پذیری برجسته بودن یک یا چند عامل به منزله کنار گذاشتن سایر عوامل نیست، بلکه در دوره ها و شرایط مختلف هر کدام از این عوامل برجستگی های خاص خود را دارا هستند.

نظریه ها در زمینه ورزش

جامعه شناسان در تحلیل و تبیین پدیده های اجتماعی بر اساس نظریه های مختلف اجتماعی و همچنین بر اساس فرهنگ ها و ساختارهای اجتماعی جوامع مختلف عمل می کنند. در تبیین ورزش و فعالیت های ورزشی در جامعه می توان از دیدگاه ها و نظریه های مختلف جامعه شناسی استفاده کرد. برنامه ها و فعالیت های ورزشی مانند سایر پدیده های اجتماعی بیش از یک نظریه یا دیدگاه کلی مبتنی است. برنامه ریزان، مربیان، معلمان و مدیران ورزشی نمی توانند در فعالیت های آموزشی یا برنامه های اجرایی خود تنها از یک دیدگاه یا نظریه خاص استفاده کرده و یا تأکید ورزند و نسبت به آنها تعصب نشان دهند

بلکه باید بر همه نظریه‌ها آگاهی پیدا کرده و افکار، عقاید و نظریه‌های درست و معقول در سیستم‌های گوناگون را با توجه به شرایط و مقتضیات فرهنگی و اجتماعی محیط خود به کار ببندد. منظور از بحث و بررسی پیرامون نظریه‌ها و دیدگاه‌های جامعه‌شناسی در ورزش این است که ببینیم:

- هر یک از دیدگاه‌ها و نظریه‌ها مسائل و موضوعات ورزش را چگونه تجزیه و تحلیل می‌کنند.
- چه برداشتی درباره هر یک از انواع نظریه‌های ورزشی وجود دارد.
- چه راه‌ها و روش‌هایی به منظور سودمند بخش کردن فعالیت‌های جوانان ورزشکار و سایر نیروهای انسانی در عرصه ورزش پیشنهاد می‌شود. و بالاخره مفاهیم و واژه‌های اساسی و کلیدی در ورزش چگونه تجزیه و تحلیل می‌شوند (نادریان جهرمی، ۱۳۸۹: ۹۹).

کارکردگرایی و جامعه‌شناسی ورزش

موضوع جامعه‌پذیری از دیدگاه کارکردگرایانه نیز مورد بررسی قرار گرفته و در واقع یکی از مباحث محوری در تحلیل‌های این دیدگاه است. در رویکرد کارکردگرایانه، جامعه‌پذیری نوعی فعالیت است که بواسطه آن جامعه خود را استوار و دائمی می‌سازد و می‌تواند از تعادل و ثبات برخوردار گردد. جامعه‌پذیری از دیدگاه کارکردگرایانه همان کنترل درونی است که براساس آن، ارزش‌ها، هنجارها، و ایستارهای اجتماعی در یک نظام اجتماعی، ملکه ذهن کنشگران می‌گردند. رویکرد کل‌گرای کارکردگرایی در آغاز برای جهت‌دهی جامعه‌شناسان ورزش برای ملاحظه ورزش به عنوان یک نهاد اجتماعی و مشاهده ارتباط و پیوستگی ورزش و جامعه و انعکاس جامعه کلی در ورزش مفید بود. در حالی که نسل دوم جامعه‌شناسان ورزش از تز ورزش به عنوان آئینه جامعه دست کشیدند، اما اهمیت

ورزش به عنوان حوزه نهادی زندگی روزمره همچنان اهمیت خود را حفظ کرد. تحلیل های روشن کارکرد گرایانه از ورزش در جامعه همچنان در نوشته های هری ادواردز، کلینی هینلیا، گونتر لوشن و... دیده می شود. در میان این جامعه شناسان، لوشن جامعه شناس آلمانی که مدت زمان طولانی ساکن آمریکا بود، مؤثرترین فرد در پروراندن چارچوب کارکردگرایی در جامعه شناسی ورزش بود. اولین نوشته عمده ای که لوشن در چشم اندازی پارسونزی از جامعه شناسی ورزش ارائه داد (وابستگی های متقابل ورزش و فرهنگ) در سال ۱۹۶۷ منتشر شد. در این مقاله لوشن ورزش را به عنوان یک نظام کنش در نظر گرفت، کارکردها و پویایی های ورزش در فرهنگ و جامعه را مورد بحث قرار داد و درباره ورزش و تحول فرهنگی تأمل کرد. طبق نظر لوشن در فرهنگ های اولیه کارکرد ورزش اغلب حول مذهب، جمع محور و برای تربیت و فراگیری مهارت های مرتبط با بزرگسالی و آمادگی جنگی بود، در حالی که کارکرد های ورزش مدرن ممکن است بطور ویژه برای حفظ الگو و برقراری همبستگی اجتماعی در نظر گرفته شوند. ۱۵ سال بعد، لوشن یک تجزیه و تحلیل ساختاری از ورزش مبتنی بر نظام های داخلی و خارجی ورزش ارائه داد. او بر تحلیل مفهوم سازی های ساختار نظام ورزش بعنوان الگوی ساختاری بنیادی انسان و هستی اجتماعی تأکید کرد. اخیراً نیز لوشن مدعی نوعی ساختارگرایی بعنوان برنامه ای برای تحلیل ورزش در جامعه شده است.

کریستوفر استیوسون و مشاورش جان نیکسون تحلیلی از کارکردهای ورزش ارائه داده اند. آنها پنج کارکرد اساسی ورزش در سطح اجتماعی را مشخص کرده اند:

- ۱- کارکرد اجتماعی - احساسی، که در آن ورزش به حفظ ثبات روان شناختی کمک می کند.
- ۲- جامعه پذیری، که در آن ورزش به تلقین اعتقادات و اخلاقیات کمک می کند.
- ۳- کارکرد همبستگی، که در آن ورزش به انسجام و هماهنگی افراد و گروههای پراکنده کمک می کند.

۴- کارکرد سیاسی، که در آن ورزش برای مقاصد سیاسی و ایدئولوژیکی بکار برده می‌شود.

۵- کارکرد تحرک اجتماعی، ورزش به عنوان منبعی برای تحرک عمودی عمل می‌کند» (Coakley:2001:17).

«به نظر کارکردگرایان، ورزش نهادی است که ارزشها و هنجارها را به شرکت کنندگان منتقل می‌کند و بدین گونه به هماهنگی ساختن جامعه کمک می‌کند. از این جهت ورزش، کارکردی مشابه خانواده دارد. کارکردگرایان همچنین معتقد بودند که مناسک ورزشی و شرکت در بازی‌ها، افراد جامعه را وادار می‌دارد که از آن بعنوان الگویی در تولیدات صنعتی استفاده کنند. اما کارکردگرایان مؤخر برآنند که مناسک ورزشی، بازیکنان، و نیز تماشاگران، اعم از پیر و جوان را تشویق می‌کنند تا این سبک مناسک را بپذیرند» (مجدالدین؛ ۱۳۸۱:۷۴).

کارکردگرایان معتقد به تزانعکاسی در مورد ورزش می‌باشند، چرا که معتقدند ورزش عالم صغیر و آینه جامعه است. «مرتون در تحلیل کلاسیکش از ساختار و انومی اجتماعی از ورزش به منظور تبیین این موضوع استفاده می‌نماید که چطور قواعد و هنجارهای اجتماعی، زمانی که مردم می‌کوشند برای رسیدن به اهداف فرهنگی والا نظیر موفق شدن و برنده شدن از کارآترین وسایل ممکن استفاده نمایند، نادیده گرفته می‌شوند و تضعیف می‌گردند. مرتون به منظور توضیح مسأله فوق از اصطلاح انومی (بی‌هنجاری) استفاده می‌نماید. از نظر وی بی‌هنجاری زمانی به وجود می‌آید که هنجارهای اجتماعی ضعیف و یا ناپایدار و مبهم گردند. به باور وی هنگامی که چنین شرایطی در ورزش وجود داشته باشند، مردم به استفاده از ابزارهای غیر مشروع تقلب کردن، ترغیب می‌شوند تا به هدف شان که همان کسب پیروزی است دست یابند. مرتون معتقد است این نوع رفتار کجروانه هم عرض با شرایط بی‌هنجاری در بیرون از حوزه ورزش به وجود می‌آید» (جیمز و هوارد ۱۹۶۶ به نقل از غلامی ۱۳۸۱).

علاوه بر آن کارکردگرایان بر این باورند که به دنبال افول نفوذ مذهب در دنیای مدرن، ورزش توانسته است به عنوان نهادی شبه مذهبی از طریق ایجاد ارزش‌های مشترک

و تقویت آن در بین اعضای مختلف سبب خلق وحدت و یکپارچگی گردد. این نظریه ارزش آزمون مجدد در جامعه شناسی ورزش را دارد. بویژه در مورد مطالعاتی که تمرکزشان بر ورزش بعنوان عامل همبستگی اجتماعی یا پایگاهی برای تضاد اجتماعی قرار دارد قابل کاربرد است. در مجموع می توان گفت که کارکرد گرایان موارد ذیل را به عنوان کارکرد های ورزش در نظام اجتماعی مورد توجه قرار می دهند: ۱- کسب مهارت های اجتماعی ۲- دسترسی به فرصت های تحصیلی، حرفه ای و... ۳- شکل گیری هویت های فردی و اجتماعی ۴- کنترل اجتماعی ۵- رهایی از تنش ها ۶- تندرستی جسمانی ۷- ترویج وفاداری ملی ۸- جامعه پذیری و همخوانی ۹- اتحاد اجتماعی افراد در زمینه های اجتماعی.

به طور کلی کارکرد گرایان بیش از اینکه نسبت به ورزش با دید منفی نگاه کنند، دارای نگرشی مثبت به آن هستند. زیرا معتقدند در پرتو توجه به گسترش ورزش در جامعه، ثبات و یکپارچگی اجتماعی که یکی از کانون های اصلی توجه این نظریه است محقق می شود.

نظریه کنش متقابل نمادین

نظریه کنش متقابل نمادین در زندگی اجتماعی توسط جامعه شناسان آمریکایی از جمله چارلز هورتون، کولی، جرج هربرت مید، هربرت بلومر، اروینگ گافمن و گریگوری استون توسعه یافته است. این نظریه برای آن دسته از محققینی که می خواهند بر روی شخصیت و تعیین هویت افراد و ارتباطات اجتماعی در ورزش مطالعه کنند بسیار سودمند است. پیش فرض های اساسی این دیدگاه عبارت اند از:

- ۱) ارتباطات میان افراد و رفتارهای انسان بستگی به نهادهای معناداری دارد که زمینه همکاری بین مردم را ایجاد می کند. یک نماد به این دلیل معنی دارد که در یک گروه مشترک معانی را بین افراد گروه منتقل می کند.
- ۲) با توجه به اهمیت معانی منتقل شده توسط نمادهای معنی دار در کنش متقابل، همکاری تنها در صورتی امکان پذیر است که افراد تقریباً همان معانی را مورد توجه قرار دهند یا

تعاریفی از موقعیت داشته باشند و کنش‌های دیگران را از طریق قرار دادن خود به جای آنان درک کرده و بر طبق آن عمل کنند.

(۳) معانی ممکن است از طریق اصلاح مجدداً تعریف شوند. در جوامع توسعه یافته معانی ممکن است توسط خرده‌گروه‌ها به طور متفاوت درک شود. معانی ممکن است در حالت انتقالی قرا داشته باشند و به دلیل دگرگونی‌های سریع اجتماعی نیاز به بازنگری و بررسی مجدد داشته باشند. تعریف مجدد از طریق کنش متقابل اجتماعی صورت می‌پذیرد.

(۴) در سطح فردی، معانی از طریق یک فرآیند انعکاسی تبیین می‌شوند. این فرآیند شامل کلیه موضوعات کنش‌هایی است که توسط فرد درک می‌شوند و تعریف وضعیت نامیده می‌شوند.

(۵) کسب معانی و توانایی دست‌یابی به اندیشه‌های انعکاسی، نه تنها محیط اجتماعی بلکه معانی و تعاملات مربوط به خود را نیز شامل می‌شود. (ریس و میراسل ۱۹۸۹ به نقل از نادریان جهرمی: ۱۳۸۹: ۱۱۲) بنابراین هدف عمده کنش متقابل نمادی بر فرآیند ایجاد، تعریف و انجام کنش‌های افراد تأکید دارد. هنگامی که محققان و طرفداران نظریه کنش متقابل نمادی به مطالعه و تحقیق در تربیت بدنی و ورزش می‌پردازند غالباً بر این موضوع تأکید می‌کنند که چگونه افراد معانی و مفاهیم را توسعه می‌دهند و نحوه مشارکت آنها در ورزش به چه شکل است. «انسان‌ها تنها یک استعداد کلی برای تفکر دارند. این استعداد باید در فراگرد کنش متقابل اجتماعی شکل گیرد و تهذیب شود. این نظر نظریه پردازان کنش متقابل نمادین را به تأکید بر صورت خاصی از کنش متقابل اجتماعی یعنی اجتماعی شدن، سوق داد. توانایی اندیشیدن انسان، در دوره اولیه اجتماعی شدن در کودکی پرورش می‌یابد و در دوره بعدی اجتماعی شدن در بزرگسالی تهذیب می‌شود. نظریه پردازان کنش متقابل نمادین از فراگرد اجتماعی شدن برداشتی متفاوت از آن بیشتر جامعه‌شناسان دیگر دارند. به نظر آنها جامعه‌شناسان متعارف احتمالاً اجتماعی

شدن را صرفاً فراگردی می‌انگارند که انسان‌ها از طریق آن چیزهایی را یاد می‌گیرند که برای بقاء در جامعه نیاز دارند (برای مثال فرهنگ و چشمداشت‌های نقش). اما از دیدگاه نظریه پردازان کنش متقابل نمادین، اجتماعی شدن فراگرد پویاتری به شمار می‌آید که به انسان‌ها اجازه می‌دهد تا توانائی اندیشیدن‌شان را پرورش دهند و به شیوه‌های متمایز انسانی بیندیشند. وانگهی، به نظر آنها، اجتماعی شدن فراگرد یک طرفه‌ای نیست که طی آن؛ کنشگر اطلاعاتی را دریافت کند، بلکه فراگرد پویاتری است که کنشگراز طریق آن اطلاعات بدست آمده را شکل می‌دهد و آن را با نیازهای سازگار می‌کند» (ریترز، ۱۳۸۳: ۲۸۳-۲۸۲). کنش متقابل اجتماعی مفهوم اساسی در جامعه‌شناسی در زمینه شکل‌گیری شخصیت است. شخصیت محصول تعامل اجتماعی با دیگران است. «انتظارهای دیگران در جامعه شخصیت و وجدان فرد را شکل می‌دهد. وجدان محصول اجتماعی است» (کوزر، روزنبرگ: ۱۰۸).

«دیدگاه کنش متقابل نمادین، جامعه انسانی را پدیده‌ای شامل انسان‌های عمل‌کننده (فاعل) و حیات جامعه را مرکب از فعالیت‌های افراد می‌داند. واحدهای عامل ممکن است افراد باشند یا جماعتی که اعضای آن‌ها در تلاش مشترکی با هم عمل می‌کنند و یا سازمان‌هایی که از سوی هیأت مؤسس عمل می‌کند» (توسلی؛ ۲۸۴ : ۱۳۶۹-۲۸۳). «کنش متقابل یعنی اینکه افراد در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند و موجب ساختن عمل یکدیگر می‌گردند. کنش متقابل به منزله اعمال هر فرد در گذشت زمان مرتبط با یکدیگر در موقعیت خاص است. کنش متقابل صرفاً به منزله تأثیر پذیری از دیگران نیست، بلکه تأثیر و تأثر متقابل در جریان زمان و موقیت‌های گوناگون است. در این صورت یک عمل متحول در حال تغییر مطرح است، نه عمل ساده‌ای که در شرائط محیطی خاص تحقق می‌پذیرد» (آزاد ارمکی؛ ۱۳۸۱: ۲۳۹). «نظریه کنش متقابل در ورزش با مسائل مربوط به معنی، هویت، روابط اجتماعی، و خرده فرهنگ‌ها در ورزش سروکار دارد. این رویکرد بر این عقیده استوار است که رفتار انسانی مستلزم انتخاب است و آن انتخاب بر مبنای تعریفی است که مردم در کنش

متقابل با یکدیگر به آن شکل می‌دهند. براساس رویکرد کنش متقابل گرا، ما انسانها صرفاً به صورت خودکار به محیط پیرامون پاسخ نمی‌دهیم. بلکه ما فعالانه درباره رفتارهایمان تصمیم‌گیری می‌کنیم. این تصمیم‌گیری مبتنی بر پیامدهائی است که ما فکر می‌کنیم این رفتارها برای زندگی ما، اطرافیان ما و دنیای اجتماعی که در آن زندگی می‌کنیم دارند. علاوه بر آن ما در کنش متقابل با دیگران هنجارها، نقش‌ها، روابط و ساختارهایی که جامعه را می‌سازند را خلق می‌کنیم. بر این اساس ما قادر هستیم که درک خودمان را گسترش دهیم و بفهمیم که چه کسی هستیم و چگونه با جهان اجتماعی ارتباط برقرار کنیم» (Coakley:2001:38). نظریه پردازان کنش متقابل گرا معتقدند که فرد در جریان کنش متقابل، درگیر فرایند اجتماعی شدن می‌شود، فرایندی که براساس آن کنشگران توانایی خود را پرورش می‌دهند و فعالانه درگیر زندگی اجتماعی می‌شوند. طبق این دیدگاه اجتماعی شدن یک فراگرد یک طرفه نیست که جامعه برای بازتولید خود، ارزش‌ها، هنجارها و الزاماتی را به فرد القاء کند و فرد نیز بدون تفسیر و بازبینی آنها را بپذیرد. بلکه کنشگر خلاقانه در شکل‌گیری معانی و نیز تفسیر پیام‌هایی که از جهان پیرامون دریافت می‌کند شرکت دارد. انسان‌ها لزوماً پذیرندگان و متأثران صرف از دنیای پیرامون نیستند، بلکه دائماً در کار تفسیر و خلق معانی جدید هستند. «از آنجا که اشکال گوناگون فعالیت‌های ورزشی دنیاها را نمایند، لذا دنیای اجتماعی مناسبی جهت بررسی نظریه پردازان دیدگاه کنش متقابل نمادین به شمار می‌آیند. معانی موجود در قلمرو ورزش ذاتی نیستند بلکه از طریق قواعد، قراردادها و... توسط کنشگران خلق می‌شوند. همچنین ارزش‌های تیمی، هنجارها، تشریفات، تشویق‌ها، نشانه‌ها، علائم، بازی‌ها، واکنش‌های مربوط به پیروزی، جملگی دلایل قانع‌کننده‌ای برای جلب توجه تحلیل‌گران کنش متقابل نمادین به این موضوع به شمار می‌آیند. در مجموع می‌توان گفت دیدگاه کنش متقابل نمادین به معانی خلق شده در عرصه ورزش‌های گروهی و اینکه این معانی چگونه بر ورزش اثر می‌گذارند، توجه دارد» (غلامی؛ ۱۳۸۱:۴۰).

جمع بندی

از حوزه هایی که به لحاظ تنوع موضوعات از جایگاه قابل تأملی در میان پدیده های اجتماعی برخوردار است مسائل مربوط به ورزش است؛ چرا که بسیاری از حوزه های زندگی اجتماعی از قبیل اقتصاد، سیاست، بهداشت و سلامت و... مستقیم و غیر مستقیم با ورزش در ارتباط هستند. عمده ترین تأملاتی که حول محور ورزش و بصورت نظرات تخصصی و عقاید عامه مردم وجود داشته است، بررسی نقش ورزش در سلامت افراد جامعه است. این عقیده از دیرباز مورد توجه همگان قرار داشته که ورزش یکی از مهم ترین ارکان حفظ و توسعه سلامت جسم و روان است. لذا ورزش به لحاظ نقشی که در برقراری و افزایش سلامت انسان همواره مورد توجه بوده و مسائل پیرامون آن از سوی متخصصان دنبال شده است. مهم ترین مسئله مرتبط با بحث ورزش در حوزه جامعه شناسی شامل فرایند گسترش خشونت، انحرافات در ورزش، افتراق اجتماعی ورزش، نحوه ورود افراد به ورزش و... می باشند. در میان این دسته از مسائل توجه به این نکته ضروری است که افراد چگونه وارد دنیای ورزش می شوند و زمان و هزینه خود را صرف فعالیت در یک رشته ورزشی می کنند. این امر سبب گردید جامعه شناسان توجه خود را به فرایندی معطوف کنند که منجر به ورود فعالانه فرد به عرصه ورزش می شود. از این رو جامعه شناسان ورزش معتقدند عوامل متعددی از جمله وجود امکانات مناسب از قبیل مکان های ورزش، وقت، وسائل و تجهیزات، پول و... وجود توانایی و استعداد فردی و سرانجام عوامل مؤثر بر فرایند اجتماعی شدن بطور کلی در شکل گیری این فرایند مؤثر می باشند. با چنین نگاهی به ورزش وجود ورزشکار ذاتی و مادرزادی چهره ای کم رنگ می یابد و نگاه به ورزش به عنوان پدیده ای فردی جای خود را به نگاهی اجتماعی می دهد که مانند بسیاری دیگر از ابعاد زندگی اجتماعی دارای الگوهای قابل شناخت و تغییر است. با پیدایش چنین رویکردی در مورد ورزش مباحث مختلفی پیرامون آن شکل می گیرد. آنچه بیش از همه توجه جامعه شناسان ورزش را به خود جلب می کند این مسئله است که کدام عوامل اجتماعی سبب می شوند که فرد ضمن دارا بودن استعداد و

توانایی و در اختیار داشتن امکانات لازم ورزش را به عنوان یکی از جهت‌گیری‌های متعدد خود در زندگی اجتماعی برگزینند. از این رو ذیل فرایند کلی جامعه‌پذیری مباحثی در قالب تخصصی مربوط به ورزش مطرح می‌شوند با عنوان جامعه‌پذیری ورزشی. مقصود از چنین عنوانی بررسی این موضوع است که چه عوامل اجتماعی در روی آوردن فرد به ورزش اثرگذار هستند. به عبارتی فرد تحت تأثیر چه عواملی به ورزش روی می‌آورد و الزامات آن را می‌پذیرد. منظور از الزامات مجموعه‌ای از خصوصیات و توانمندی‌هاست که فرد ضمن کسب آنها می‌تواند در عرصه ورزش باقی مانده و عنوان ورزشکار را از جانب خود و دیگران به همراه داشته باشد.

فهرست منابع

۱. ابوالحسن تنهایی، حسین (۱۳۷۱)، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: نشر مرنديز.
۲. اختر شهر، علی (۱۳۸۶)، جامعه‌پذیری سیاسی در حکومت دینی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.
۳. اعزازی، شهلا (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۴. بیگر، ترز (۱۳۸۶)، نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، هوشنگ نایی، تهران، نشر نی.
۵. ترنر، جانانان (۱۳۷۹)، جامعه‌پذیری، ترجمه محمد فولادی، نشریه معرفت، شماره ۳۰.
۶. تند نویس، فریدون (۱۳۸۰)، جایگاه ورزش در اوقات فراغت جوانان ۲۰-۲۵ ساله کشور، همایش اوقات فراغت و تفریحات سالم جوانان با تأکید بر ورزش و تربیت بدنی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.
۷. دوفرانس، ژاک (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی ورزش، عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، توتیا.
۸. راش، مایکل (۱۳۷۷) جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، منوچهر صبوری، تهران، انتشارات سمت.

۹. روشه، گی (۱۳۷۴)، مقدمه ای بر جامعه شناسی عمومی، کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۰. ریتزر، جورج (۱۳۸۸) نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
۱۱. ساروخانی، باقر (۱۳۸۱) مقدمه بر جامعه شناسی خانواده، تهران، انتشارات سروش.
۱۲. شارون، جوئل (۱۳۷۹) ده پرسش اساسی از دیدگاه جامعه شناسی، منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۱۳. علاقه بند، علی (۱۳۸۴)، جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران، نشر روان.
۱۴. غلامی، محمدرضا (۱۳۸۱) بررسی قشربندی و تحرک اجتماعی در ورزش با تأکید بر سه باشگاه سایپا، کشاورز و راه آهن، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۱۵. کرایب، یان (۱۳۸۵)، نظریه اجتماعی مدرن، عباس مخبر، تهران، نشر آگه.
۱۶. کریمی، جواد (۱۳۶۴)، نگاهی به تاریخ تربیت بدنی جهان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۷. کوزر، لوئیس و رزبرگ، برنارد (۱۳۸۱)، نظریه های بنیادی جامعه شناختی، فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
۱۸. کوش، دنی (۱۳۸۱)، مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، ترجمه فریدون وحید، تهران، سروش.
۱۹. کوئن، بروس (۱۳۸۱)، مبانی جامعه شناسی، محسن ثلاثی، تهران، توتیا.
۲۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶) جامعه شناسی، منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۲۱. مجدالدین، اکبر (۱۳۸۱) بررسی ساختار ارزشی رزمندگان در دو مقطع قبل و بعد از جنگ با تأکید بر نحوه گذران اوقات فراغت، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۲۲. مور، استفن (۱۳۷۶) دیباچه ای بر جامعه شناسی، مرتضی ثاقب فر، تهران، نشر ققنوس.
۲۳. نادریان جهرمی، مسعود (۱۳۸۹) مبانی جامعه شناسی در ورزش، تهران، نشر بامداد کتاب.
۲۴. نیک گهر عبدالحسین (۱۳۶۹). مبانی جامعه شناسی. انتشارات رایزن.

25. Cashmore, Ernest (2000), making sense of sport, London, New York
26. Coakley, Jay (2001), sport in society, Boston, McgraHill Routledge.
27. Denning, Eric (1999), sport matters, London. Routledge Hall
28. Snyder, Eldon. E (1978), social aspects of sport, Englwood cliffs, tice-Hall.